

نقش قاعده فقهی «المؤمنون عند شروطهم» در تربیت فردی و اجتماعی^۱

^۲ سیده زهرا موسوی

^۳ زهرا فهرستی

^۴ احمد رضا خزایی

چکیده

حدیث نبوی «المؤمنون عند شروطهم»، از قواعد فقهی - حقوقی برخاسته از قرآن کریم و تأکیدهای فراوان الهی بر تعهدپذیری و وفای به عهد است که علاوه بر جایگاهش در فقه و حقوق، پیامدهای بسیاری در تربیت فردی و اجتماعی دارد و نمود و الگوهای بارزی را می‌توان برای آن شمرد.

این نوشتار بر پایه روش توصیفی - تحلیلی، نخست از چیستی مفهومی این قاعده و مستندات آن می‌نویسد و رابطه علوم فقه و تربیت را تبیین می‌کند؛ سپس

^۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۳/۳؛ تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۶/۱۰.

^۲. دانشجوی دکتری، گروه الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: (szmousavi61@gmail.com).

^۳. استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): (fehrest41@yahoo.com).

^۴. دانشیار، گروه الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: (Dr.khazaei46@yahoo.com).

مسئولیت‌پذیری، عمل‌گرایی، وفاداری و صداقت، اعتمادسازی و آرامش فردی و اجتماعی را از مهم‌ترین آثار و پیامدهای اخلاقی و تربیتی این قاعده شمرده، نوشتار را با معرفی سنت تربیتی رهبران الهی و سبک پرورشی والدین، به عنوان یک نمود خاص و یک نمود عام، به پایان می‌برد که بارزترین نمودهای عینی و الگوهای تربیتی این قاعده شناخته می‌شوند و در امر تربیت اخلاقی و هدایت و جهت‌دهی فردی و اجتماعی انسان‌ها از کودکی تا بزرگسالی، نقش بسیاری دارند.

واژگان کلیدی: قاعده شرط، تربیت اسلامی، الگوهای تربیتی، پیامدهای قاعده شرط، وفاداری، مسئولیت‌پذیری.

مقدمه

شریعت اسلام از ادیان الهی است که جامعیت آموزه‌ها و قوانینش، سعادت همه ابعاد زندگی مادی و معنوی بشر را در بر می‌گیرد؛ برای نمونه قواعد حقوقی اسلام، فقط به معاملات نمی‌نگرد و به حل معارضات بسنده نمی‌کند؛ بلکه پیامدهای تربیتی دارد و به تحکیم سرمایه‌های اجتماعی همچون اخلاق‌مداری و تربیت دینی می‌انديشد.

قاعده «المؤمنون عند شروطهم»، از قواعد اسلامی است که افزون بر مباحث فقهی - حقوقی، به ثبات اخلاقی جامعه، تقویت اعتماد در روابط اجتماعی و تربیت عمومی در مسیر تداوم و تقویت تعهدپذیری، وفاداری و صداقت و آرامش نظر دارد؛ زیرا شروط، همیشه شروط قراردادهای معاملی و اقتصادی نیست؛ بلکه می‌تواند جنبه‌های گوناگونی همچون اخلاقی و تربیتی داشته باشد که این مقاله، به بررسی نقش قاعده فوق در تربیت فردی و اجتماعی نظر دارد. از این رو، کلام را با چستی مفهوم شرط و رابطه علوم فقه و تربیت آغاز می‌کند؛ پیامدهای تربیتی این قاعده را می‌شناساند و با نمودهای عینی و الگوهای خارجی آن، سخن را به پایان می‌برد.

۱. چیستی‌شناسی

این قسمت به مفهوم‌شناسی شرط و تبیین رابطه علوم فقه و تربیت می‌پردازد:

الف) مفهوم‌شناسی شرط

واژه «شرط» در لغت، به معنای پیمان و تعلیق چیزی بر چیز دیگر است (تهانوی، ۱۹۹۶، ۱: ۱۰۱۳).

در اصطلاح حقوقی نیز به معنای پذیرفتن هرگونه الزام و تعهدی است که در کنار عملی حقوقی گنجانده می‌شود (صفی‌پور، بی‌تا، ۱ و ۲: ۶۲۳) و مطلق التزام از آن متبادر می‌شود (فاضل‌هرندی، ۱۳۸۲، ۱۱: ۳۸؛ آیتی، ۱۳۸۹، ۲: ۳۳۵).

یادسپاری: عهد و عقد، به یک معناست و عقود، همان عهود است؛ چنان‌که عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام گزارش می‌کند که آن حضرت مراد از ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (مائده، آیه ۱) را وفای به عهد معنا می‌فرماید (قمی، ۱۴۰۴، ۱: ۱۶۰)؛ ازاین‌رو چون واژه «شرط» در معنای عهد به طور مطلق به کار رفته، مشمول این آیه بوده، وفای به آن لازم است.

ب) مفاد قاعده شرط

جمله «المؤمنون (المسلمون) عند شروطهم»، اگرچه جمله‌ای خبری است، درحقیقت انشای حکم است. همان‌طور که در اصول فقه آمده است، منظور از جمله خبری در مقام انشا، اعلام نیست؛ بلکه بعث است و به قول فقیهان، چنین جمله‌ای «آکد در بعث» است؛ زیرا جمله خبری از وقوع مطلوب در مقام طلب خبر می‌دهد؛ گویی گوینده جمله، جز به وقوع مدلول آن راضی نیست و ازاین‌رو، جمله مؤکد است (آخوند خراسانی، بی‌تا، ۱: ۷۱).

شیخ انصاری بر اساس مبنای اصولی خود، معتقد است مفاد جمله مزبور، یک

حکم تکلیفی است؛ یعنی بر پایه این قاعده، مؤمنان موظف و مکلف شده‌اند که به قراردادهای و شروطشان وفا کنند؛ ولی حکم وضعی، یعنی «لزوم قراردادهای» از حکم تکلیفی انتزاع می‌گردد (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲: ۳۷).

یادسپاری: برخی فقها همچون شیخ انصاری شرط در قاعده «المؤمنون عند شروطهم» را «هو التزام في التزام» و «هو تعهد في تعهد» دانسته، از تبعیت و پیروی شرط از عقد سخن می‌گویند که اگر عقد لازم بود، شرط نیز لازم‌الوفا خواهد بود و اگر عقد جایز بود، شرط لازم‌الوفا نخواهد بود؛ زیرا ایشان شرط را مثل جزئی از رکن عقد می‌دانند (انصاری، ۱۴۲۰، ۶: ۱۱ و ۶۲ - ۶۵). علامه جوادی آملی با رد این مبنا، تبعیت حکمی و موضوعی شرط از عقد را رد کرده، می‌فرماید:

برای این که عقد شرط بشود، باید در ضمن عقدی باشد؛ اگر شرط شد، آن وقت دلیل خاص خودش، یعنی «المؤمنون عند شروطهم» را دارد. دلیل شرط، این است که وفای به شرط واجب است و این وجوب، به لازم یا جایز بودن عقد ارتباطی ندارد. شرط یک امر تبعی است؛ از این رو در ضمن عقد می‌آید؛ ولی وقتی شرط شد، قاعده «المؤمنون عند شروطهم» می‌گوید وفا واجب است؛ چون شرط در حکم تابع عقد نیست تا جایز بودن عقد، مانع واجب‌الوفا بودن شرط شود (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۱).

ج) مستندات قاعده شرط

قاعده «المؤمنون عند شروطهم» از مهم‌ترین قواعد فقهی - حقوقی در زمینه رفتارهای اجتماعی است که بر تعهدپذیری و وفای به عهد استوار است و این حقیقت را بیان می‌کند که همه مؤمنان، می‌باید به تعهدات و شروط پذیرفته شده شرعی، پایبند باشند.

قاعده شرط، ریشه در آیات قرآن کریم، سنت نبوی و اهل بیت علیهم‌السلام، سیره عقلا و عقل دارد که در این قسمت تبیین می‌شود:

یکم - قرآنی

قرآن حکیم با تأکید فراوانی به پایبندی به تعهدات و وفای به عهود و عقود پرداخته است؛ از جمله: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده، آیه ۱) و «وَالْمُؤْفُونَ بَعْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا» (بقره، آیه ۱۷۷) و «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون، آیه ۸) و «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء، آیه ۳۴).

این آیات به دو نکته مهم اشاره دارد؛ یکی کلی بودن خطاب آیه است که با «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» اعلان می‌شود و تنها منحصر به مؤمنان نیست؛ بلکه همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد و دیگری، عمومیت عهد و پیمان‌هاست؛ یعنی می‌باید به همه پیمان‌ها و عهد‌ها عمل شود؛ اعم از این‌که:

۱. عهد و پیمان با خدای سبحان باشد یا عهد و پیمان با بندگان خدای سبحان؛
۲. عهد و پیمان، اعم از عقد، ایقاع، شروط و مطلق ضمان‌هاست و همه آنها را در بر می‌گیرد؛

۳. عقود ایجابی باشد همچون بیع، یا عقود سلبی باشد نظیر طلاق.

بر این اطلاق «وَأَوْفُوا بِالْعُقُودِ» بر پایبندی به هر تعهدی دلالت دارد که انسان می‌سپارد که شرط را نیز در بر می‌گیرد؛ مگر مواردی که تخصیص خورده و از دایره این عمومیت خارج شده باشد؛ همچون عهد و شرطی که خلاف کتاب خدا و سنت است و امام صادق علیه السلام آن را از دایره عهد و شرط لازم‌الوفا بیرون می‌سازد: «مَنْ اشْتَرَطَ شَرْطًا سِوَى كِتَابِ اللَّهِ فَلَا يَجُوزُ ذَلِكَ لَهُ وَلَا عَلَيْهِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ۷: ۳۷۳).

دوم - حدیثی

قاعده فقهی - حقوقی «المؤمنون عند شروطهم» روایتی نبوی است (طوسی، ۱۴۰۷، ۷: ۳۷۱) که مضامین مشابه آن از سایر معصومان علیهم السلام نیز گزارش شده است؛ از جمله

امام صادق علیه السلام که در این باره می‌فرماید: «مَنْ اشْتَرَطَ شَرْطاً مُحَالِفاً لِكِتَابِ اللَّهِ فَلَا يَجُوزُ لَهُ وَلَا يَجُوزُ عَلَى الَّذِي اشْتَرَطَ عَلَيْهِ وَ الْمُتَمِلُّونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ فِيمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۱۶۹). از این رو بسیاری از علما درباره آن قائل به تواتر اجمالی هستند؛ یعنی یقین به صدور روایت «الْمُتَمِلُّونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» از معصوم علیه السلام وجود دارد (ر.ک: مظاهری، ۱۳۸۶: ۱۵۵).

محدثان و محققان، ذیل بحث از این قاعده، احادیث بسیاری را گزارش کرده (حر عاملی، بی‌تا، ۱۲: ۳۵۳ و ۱۵: ۳۰ و ۴۹) و درباره سند و دلالت آنها بر این قاعده آورده‌اند: «این اخبار از جهت سند در کمال اعتبار هستند و صدور آنها از معصومان علیهم السلام مورد وثوق و اطمینان است و از جهت دلالت بر این قاعده، از تحلیل بی‌نیازند؛ زیرا متن این قاعده از جمله «الْمُتَمِلُّونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» اخذ شده است که ضمن احادیث، بدون کم و زیاد به صراحت آمده و ما را از استخراج و استنباط آن از احادیث بی‌نیاز هستیم» (موسوی بجنوردی: ۱۳۸۹، ۳: ۲۴۹-۲۵۱).

سوم - سیره عقلاء و عقل

از زمان حضرت آدم علیه السلام تا روز قیامت، همه ملل و نحل، دین‌دار و بی‌دین، همگی به اصل اوفوا بالعقود و «اوفوا بالشروط» پایبند بوده، هستند و خواهند بود؛ زیرا این پایبندی در میان عقلا امری ضروری است و این ضرورت به سیره تبدیل می‌شود. البته گاهی بنا و سیره نیست؛ عقل است. عقل هر کسی به استقلال حکم می‌کند که باید به عهدش وفا کند (ر.ک: مظاهری، ۱۳۸۶: ۱۵۵).

د) ویژگی‌های صحت شرط

روشن است که هر شرطی، درست و لازم‌الوفا نیست؛ بلکه شرطی، صحیح و لازم‌الوفا است که پنج ویژگی داشته باشد:

- یک - شرط می‌باید مقدور مکلف باشد؛ یعنی اجرای شرط در توان مشروط‌علیه باشد و تفاوتی میان صفت بودن مقدور یا عمل بودن آن نیست؛
- دو - شارع مقدس آن شرط را قبول داشته باشد؛ یعنی شرط، غیر شرعی نباشد؛
- سه - دارای فایده عقلایی باشد؛ چون اصل وفای به عهد، یک اصل عقلایی و از سیره عقلاست؛
- چهار - مخالف کتاب و سنت نباشد؛
- پنج - معلوم و معین باشد؛ یعنی جهالتی که سبب ضرر باشد، در آن وجود نداشته باشد؛ چون جهالت، سبب بطلان است؛
- شش - مخالف مقتضای ذات عقد نباشد؛
- هفت - شرط، مستلزم محال نباشد؛ یعنی برای نمونه، سبب دور یا تسلسل نشود (انصاری، ۱۴۲۰، ۶: ۱۶-۵۸).

ه) رابطه علوم فقه و تربیت

رابطه علم فقه و دانش تربیت، «عموم و خصوص من وجه» است؛ زیرا رفتار مربیان و متربیان در مقام تربیت، موضوع دانش تربیت، و عمل اختیاری مکلفان، موضوع علم فقه است؛ بنابراین کردار اختیاری در جایگاه تربیت، در محدوده هر دو علم تربیت و فقه جای دارد.

علم فقه، مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی است و حکم شرعی کردار را تعیین می‌کند و دانش تربیت، رفتارهای تربیتی را بررسی کرده، قوانین حاکم بر آن را مشخص می‌سازد و براساس آن پیشنهادهایی ارائه می‌دهد. بنابراین، علم فقه می‌تواند در مبانی و پیش‌فرض‌های دانش تربیت اثر بگذارد (اعرافی، ۱۳۹۰: ۶-۹). به‌ویژه که فقه اسلامی، فضیلت‌ها و کرامت‌های والای انسانی را مدار قانون‌گذاری قرار می‌دهد و با

ایجاد تعهدات متقابل، روان انسان‌ها را به انجام الزامات اخلاقی و تعهدات ارزشی برمی‌انگیزاند (زحیلی، ۱۴۰۴، ۱: ۲۳) که به تربیت فردی و اجتماعی می‌انجامد؛ به‌ویژه در شروط ابتدایی که هم از منظر فقهی و هم از دید اخلاقی، لازم‌الوفا هستند و آیاتی همچون «وَالْمُؤْمِنُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا» (بقره، آیه ۱۷۷) و روایاتی نظیر «المؤمنون عند شروطهم» (طوسی، ۱۴۰۷، ۷: ۳۷۱) بر پابندی بر آنها تأکید دارند و تخلف از آنها را سبب خروج از ایمان می‌دانند.

۲. پیامدشناسی

قاعده فقهی - حقوقی «المؤمنون عند شروطهم»، غیر از پشتوانه دینی، پیشینه عقلی نیز دارد؛ از این رو عقل و سیره عقلا بر اصل وفای به عهد تأکید دارند و روشن است که هر عملی پیامدهایی دارد. بر همین اساس، این قاعده نیز آثاری تربیتی فراوانی دارد که این نوشتار تعهدپذیری، عمل‌گرایی، وفاداری، صداقت، اعتمادسازی و آرامش فردی و اجتماعی را از مهم‌ترین آنها می‌شمارد:

الف) مسئولیت‌پذیری

قوه عاقله، اختیار و آزادی، مهم‌ترین توانایی است که خدای سبحان به انسان داده و در برابر آن، از او تعهد بر مسئولیت‌پذیر بودن را گرفته است. آدمی در مقابل خود، خدا و جامعه، وظایفی را بر عهده دارد که باید آنها را به‌انجام برساند. احساس تعهد و مسئولیت‌پذیری در انسان، اهمیت بسیاری دارد؛ آن‌گونه که قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى» (قیامت، آیه ۳۶). همچنین درباره مسئولیت انسان در برابر خدای سبحان و بازخواست از اعمال و مسئولیت داشتن نسبت به آنها می‌فرماید: «وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات، آیه ۲۴). علامه طباطبائی واژه مسئول را «مسئول عنه» معنا می‌کند؛ یعنی از آن بازخواست می‌شوید. برخی نیز بر

این باورند که از خود «عهد» می‌پرسند که فلانی با تو چه معامله‌ای کرد؛ چون ممکن است در قیامت، عهد را در قالب یکی از اعمال مجسم کنند تا بر «له» یا «علیه» مردم گواهی دهد؛ یکی را شفاعت کند و دیگری را مخاصمه (طباطبائی، ۱۳۹۲، ۱۳: ۱۲۴).

اختیارداری برای انجام عمل، بایسته مسئولیت‌پذیری است و تا زمانی که انسان اختیار کافی برای انجام کاری نداشته باشد، نمی‌توان او را در برابر انجام یا ترک آن کار بازخواست کرد. همچنین توان انجام کار نیز از شرایط ویژه‌ای است که برای مسئولیت‌پذیری لازم است.

قبول هر شرط و عهدی، به معنای عهده‌دار شدن یک مسئولیت و نقش است که به میزان گستره اثرگذاری آن نقش، انتظاراتی از شخص پذیرنده به وجود می‌آورد؛ برای نمونه اگر شرط در محیط خانواده پذیرفته شود، اعضای خانواده نسبت به وفای پذیرنده، انتظار دارند و اگر شخصی در سطح جامعه، عهدی سپرده یا شرطی را قبول کرده است، با انتظارات اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.

بر اساس قاعده «المؤمنون عند شروطهم»، اگر پذیرنده شرط، نقش خود را اجرا کند و مسئولیت خود را به خوبی انجام دهد، مسئولیت‌پذیر شناخته می‌شود و اگر بدعهدی کند یا دیگری نقش او را انجام دهد، میزان مسئولیت‌پذیری در گستره اثرگذاری آن شرط، کاهش یافته، رشد آن به صورت نزولی خواهد بود.

مسئولیت‌پذیری در قرآن (اسلامی‌منش، ۱۳۹۵)، به معنای تکلیف‌شناسی و ضابطه‌پذیری و تعهدباوری است که در فطرت و وجدان آدمی ریشه دارد و سایه روشنی از آن به صورت ضمیر و باطن انسان نهاده شده و از باورهای وجدان و عقل آدمی است (رفع‌تیان، ۱۳۹۴).

ریشه مسئولیت‌پذیری، به دوران کودکی بازمی‌گردد و خانواده، نخستین جایگاهی است که امر مهم مسئولیت‌پذیری را به گونه عملی و غیر مستقیم به کودکان می‌آموزد

و این آموزش با واگذار کردن نقش به کودکان و فراهم ساختن الگوی مناسب عملی، به چند قسم قابل تصور است؛ از جمله:

یکم - والدین، شرطی را بپذیرند و به خوبی آن را انجام دهند؛ در این نوع آموزش، کودکان مسئولیت‌پذیری را به صورت عملی و نه در حرف و شعار از والدین خود می‌آموزند.

دوم - پدر و مادر، شرطی را بپذیرند و در انجام آن کوتاهی یا خلف وعده کنند که سبب عدم اعتماد کودکان به والدین و آموزش بی‌مسئولیتی نسبت به عهد و شرط آنان در برابر دیگران خواهد شد.

سوم - فرزندان، شرطی را بپذیرند؛ ولی یکی از والدین با دلسوزی بیجا، نقش ویژه فرزند را بر عهده بگیرد. در این صورت، او در حقیقت ناخواسته جلوی رشد فرزند خود را می‌گیرد؛ زیرا هریک از اعضای خانواده، باید حس کند که در امور خانواده نقش دارد (رفعتیان، ۱۳۹۴: ۲۱-۳۸).

تربیت اجتماعی بر پایه اصل مسئولیت‌پذیری، در نوجوانان باعث پرورش انسان‌های مسئول هم در بُعد فردی و هم در حوزه تربیت اجتماعی است. آنچه در تربیت اجتماعی نوجوانان اولویت بیشتری دارد، آگاه ساختن آنان به وظایف اجتماعی و مسئول بار آوردن آنان نسبت به خود، خدا و ائمه علیهم‌السلام است. خانواده و گروه‌های اجتماعی در القای حس مسئولیت‌پذیری به نوجوانان، نقش بسیار مؤثری دارند؛ از این رو آموزش مسئولیت‌پذیری باید با هدایت و راهنمایی همراه باشد و به تدریج به آزاد شدن از کنترل والدین منجر شود (نبوی، ۱۳۹۲) و این راهنمایی، با سلب اختیار یا استقلال، متفاوت است.

دوران نوجوانی، زمان ارزشمندی برای یادگیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی است؛ زیرا آنان در این دوران به استقلال تمایل دارند و باید تصمیماتی درباره برخی ارزش‌ها و روش‌های رفتاری خود بگیرند (خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۳). کودک و نوجوان باید

در انجام مسئولیت‌های خود استقلال داشته باشند؛ یعنی بتوانند کاری را به‌تنهایی انجام دهند.

انسان هنگامی می‌تواند مسئولیتی را عهده‌دار شود که استقلال فکری داشته باشد. انجام کارهای اجباری و بدون انتخاب، مسئولیتی را به دنبال نخواهد داشت. با پدید آمدن رشد و بالندگی عقلی، نوجوان توانایی استقلال فکری را پیدا می‌کند و می‌تواند مسائل را از یکدیگر تمییز داده، تجزیه و تحلیل کند. داشتن شعور اجتماعی در برآوردن نیازهایی که در توان انسان است، نشان‌دهنده میزان رشد مسئولیت‌پذیری است. تعهدی که انسان در قبال مسئولیت می‌پذیرد، به دانستن نتیجه آن مسئولیت نیاز دارد؛ یعنی باید بداند که انجام دادن یا ندادن مسئولیت، چه نتیجه‌ای را به دنبال خواهد داشت و نسبت به آن بازخواست می‌شود؛ ازاین‌رو با آگاهی کامل، مسئولیت را بپذیرد یا رد کند (دیدگاه، ۱۳۹۷: ۴۷). خدای سبحان درباره این بازخواست می‌فرماید: ﴿أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (اسرا، آیه ۳۴).

یادسپاری: زندگی اجتماعی نیازمند قانون (بایدها و نبایدها) و پایبندی به تعهدات است؛ بنابراین قانون‌مداری و متعهد بودن، به معنای سلب آزادی و محدود بودن نیست؛ بلکه آزادی ضابطه‌مند است؛ زیرا بی‌شک، آزادی بی‌قید و شرط یک شخص، سبب تجاوز به حقوق دیگران می‌شود و درحقیقت، به معنای سلب آزادی از دیگران است. ازاین‌رو، باید آزادی و حقوق اجتماعی دیگران را محترم شمرد و در برابر حقوق دیگران، مسئولیت‌پذیر بود.

ب) عمل‌گرایی

عمل‌گرایی از اصول تربیتی و پیامد مسئولیت‌پذیری در برابر شرط و پیمان است و قاعده «المؤمنون عند شروطهم» نیز با تأکید بر وفای به عهد، درحقیقت از

تعهدپذیری و پیامد آن یعنی عمل‌گرایی سخن می‌گوید. دین، همواره بیش از آن‌که وابسته به حوزه آگاهی‌های انسان باشد، بر موضع عملی وی نظارت دارد؛ بنابراین اگر بر آگاهی نیز تأکید می‌شود، فقط به منظور انعکاس آن در حیطه اعمال و رفتار انسان است. بر این، آگاهی و معرفت دینی، در صورتی با شخصیت فرد آمیخته می‌شود و در او اثر می‌گذارد که با عمل وی نزدیک شود؛ از این‌رو مربی موفق، کسی است که همواره با توجه به ظرفیت و استعداد متربی، او را وادار به عمل کند. بنابراین، دین ظرفیت انسان‌ها را در نظر می‌گیرد و با نفی تکلیف بما لا یطاق، به وفای به عهد و عمل به پیمان بر مبنای عدالت سفارش می‌کند و از هر کس، به اندازه توان و استعدادش توقع دارد: ﴿أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (انعام، آیه ۱۵۲). روشن است که عمل مربی، بیش از گفتار او در مخاطب اثر می‌گذارد؛ از این‌رو نوجوان با افزایش رشد عقلی، میان گفتار و کردار افراد مقایسه کرده، آنها را تجزیه و تحلیل می‌کند. آن چیزی که در الگوبرداری اهمیت بسیاری دارد، عملی است که افراد در موقعیت‌های مختلف از خود نشان می‌دهند؛ زیرا ماندگاری از راه عمل، بسیار بیشتر از نظر است. قرآن کریم از رفتارهای مثبت و سازنده انبیا و اولیای الهی، به عنوان الگوهای مثبت، و از رفتارهای ناشایست شیطان و انسان‌های شیطان‌صفت، به عنوان الگوهای منفی یاد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۴۸-۵۶).

متربی، توصیه‌های کلامی مربی را با عمل او سنجیده، مقایسه می‌کند؛ سپس با او همراه می‌شود و اطمینان می‌یابد که مسائلی که به وی دیکته می‌شود، دارای بار معنایی است و در زندگی او اثر می‌گذارد. آن‌گاه می‌کوشد تا به اندرزهای تربیتی مربی جامه عمل بپوشاند؛ زیرا دریافته که سعادتش در عمل به نصایح مربی، و شقاوتش در سرپیچی از سفارش‌های اوست؛ از این‌رو قاعده «المؤمنون عند شروطهم» بر پابندی

اهل ایمان به شروط تأکید دارد و اهل ایمان را عمل‌گرا و پایبند به شروط پذیرفته شده و پیمان‌های بسته شده می‌داند؛ چون مؤمنان باور دارند که از عهد و پیمان‌ها سؤال می‌شود: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (اسراء، آیه ۳۴).

ج) وفاداری و صداقت

وفاداری و صداقت، پس از مسئولیت‌پذیری و عمل‌گرایی حاصل می‌شود و از مهم‌ترین آثار قاعده «المؤمنون عند شروطهم» است. امیر مؤمنان علی علیه السلام وفا را همراه راستی دانسته، می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ الْوَفَاءَ تَوْأَمُ الصِّدْقِ» (نهج البلاغه، خطبه ۴۱). امیر بیان علیه السلام کلام خود را با خطاب «ایها الناس» آغاز می‌کند تا به انسانی و اخلاقی بودن فضیلت وفای به عهد اشاره کرده، مخاطب را آگاه سازد که به حکم انسانیت، می‌باید عهد و پیمان را پاس داشت و از خیانت، مکر و پیمان‌شکنی دوری کرد. از این‌روست که وجوب تعهدپذیری مؤمن و وفای به وعده و صداقت در آن، بر مؤمن واجب است: «يَحِبُّ عَلَى الْمُؤْمِنِ الْوَفَاءُ بِالْمَوَاعِيدِ وَ الصِّدْقِ فِيهَا» (فلسفی، ۱۳۷۹: ۹۸) و قاعده «المؤمنون عند شروطهم» از آن به وجود می‌آید؛ زیرا نقض عهد، از کبایر شرک به خداست و امام صادق علیه السلام در پاسخ عمرو بن عبید که بر پایه آیه ﴿إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ﴾ (نساء، آیه ۳۱) از معرفی کبائر سؤال کرد، فرمود: «نَعَمْ يَا عَمْرُو أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ ... وَ نَقْضُ الْعَهْدِ وَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾» (رعد، آیه ۲۵) (کلینی، ۱۳۶۲: ۴۷، ۲۸۵-۲۸۷).

واژه «وفا» ملکه‌ای نفسانی است که از پایبندی به پیمان و پابرجایی بر آن حاصل می‌شود و صدق و راستی، خصلتی نفسانی است که از برابری سخن با واقع، تحقق می‌یابد و این دو از صفات نیک و فضایی هستند که داخل در ویژگی عفت و همراه

آن هستند. ازاین‌رو، حضرت از استعاره واژه توأم بهره گرفت که برای نوزادانی به کار می‌رود که با یک شکم از مادر به دنیا می‌آیند (بحرانی، ۱۴۲۷، ۲: ۱۴۳).

یادسپاری: لزوم وفای به عهد از احکام بین‌المللی اسلام است و در منطقه جهان شمول دین واقع است و اختصاصی به قلمرو حوزه اسلامی ندارد. گاهی ممکن است بر اثر عدم رعایت طرف معاهده با دولت اسلامی، نظام اسلامی ناگزیر از عهدگریزی شود و از آنجاکه همین ترک عهد شایسته حکومت اسلامی نیست، خدای سبحان به رسول اکرم ﷺ دستور داد که در چنین فضایی اصل معاهده را فسخ کن تا با از بین رفتن اصل قرارداد، نه خوفی از نقض عهد رقیب باشد نه هراسی از ابتلای به نکث عهد شما: ﴿وَمَا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ﴾ (انفال، آیه ۵۸).

د) اعتمادسازی

در هر جامعه‌ای مناسبات خاصی برقرار است و مطابق با آن، روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. وفای به عهد، از عوامل مقوم اعتماد در روابط اجتماعی انسان‌هاست. بسیاری از روابط افراد در جامعه، مبتنی بر عهدها و شرط‌هایی است که فی‌مابین افراد بسته می‌شود. به‌طور طبیعی، حجم بسیار از آنان غیر مکتوب است و بر اساس اعتماد افراد به یکدیگر صورت می‌پذیرد و ضمانت اجرایی آن، بیشتر اخلاقی و براساس صداقت و اطمینان به یکدیگر است که امروزه، سرمایه اجتماعی خوانده می‌شود. بنابراین، پایبندی به شروط بر پایه قاعده «المؤمنون عند شروطهم» پس از وفاداری و صداقت، به اعتمادسازی و افزایش ضریب اعتماد در روابط فردی و اجتماعی می‌انجامد.

ه) آرامش

آرامش و احساس امنیت، از دیگر پیامدهای پایبندی به قاعده «المؤمنون عند

شروطهم» است که در سایه تعهدپذیری و پایبندی به صداقت و وفاداری در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها ظهور می‌کند.

در مقابل، نقض عهد و عدم پایبندی به شرط، اعتمادسوزی می‌کند و انسان متضرر را به واکنش وامی‌دارد. بر این، با نقض عهد و نادیده‌انگاری شروط، اعتماد به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی از میان می‌رود و انسان‌ها به جای وفا و صداقت، خیانت و ناراستی را انتظار می‌کشند و به یکدیگر سوء ظن دارند و این‌گونه احساس ناآرامی می‌کند و آسایش از زندگی‌ها رخت می‌بندد.

ازسویی، انسان بی‌مسئولیتی که نقض عهد می‌کند و شروط را زیر پای می‌گذارد نیز همیشه دروغ می‌گوید و پنهان‌کاری می‌کند؛ زیرا از آشکار شدن پیمان‌شکنی و بی‌وفایی‌اش هراس دارد و این‌گونه، آرامشش را از دست می‌دهد.

بنابراین، اگر بی‌مسئولیتی در برابر عهد و پیمان و نادیده‌انگاری شروط در سطح جامعه گسترش یابد، آرامش جامعه سلب شده، مشکلات بسیاری را به همراه خواهد آورد؛ اما اگر هر کس بر عهد خود بماند و به شروط خود وفادار باشد، اعتماد همگانی شده، آرامش بر سطح جامعه و زندگی‌ها سایه می‌اندازد.

۳. نمودشناسی

آثار و پیامدهای تربیتی قاعده «المؤمنون عند شروطهم» را می‌توان در الگوها و نمودهای عینی فراوانی یافت که با گفتار و کردار آن الگوها مطابقت دارد. روشن است که وجود الگوی مناسب در امر تربیت اخلاقی، اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا برای تحقق این هدف، هدایت، جهت‌دهی، مراقبت و مواظبت، امری ضروری است تا استعدادهای درونی، در نتیجه هدایت و راهنمایی و مراقبت از سوی مربی شایسته و متخلق، شکوفا گردد. تربیت کارآمدِ مربی شایسته، اگر با روش‌ها و فرمول‌های خاص

انجام شود، می‌تواند اخلاق منفی و ناپسند را تغییر داده، سبب تقویت و ایجاد فضیلت‌های اخلاقی گردد.

بی‌شک، برای تحقق چنین خواسته‌ای، به مربی کاملی نیاز است که با پایبندی به اصول اخلاقی و تربیتی، خود را الگویی عملی برای مربی قرار دهد تا تعلیم و تأدیش به نتیجه برسد؛ همان‌گونه که ائمه اطهار علیهم‌السلام بر این موضوع تأکید داشته، درباره هدایت عملی می‌فرمودند: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» (طبرسی، ۱۳۸۵: ۴۶).

این قسمت، به اختصار به شیوه رفتاری رهبران الهی و سبک زندگی والدین، به عنوان دو الگوی سازنده در ابعاد فردی و اجتماعی می‌پردازد:

الف) سنت پرورشی رهبران الهی

سنت عملی انبیاء و ائمه علیهم‌السلام، به عنوان یک نمود عینی، الگویی سازنده برای تربیت عمومی بشریت قرار داده شده است؛ از این رو قرآن حکیم، پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به عنوان یک رهبر معصوم الهی، اسوه جامعه انسانی معرفی می‌کند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، آیه ۲۱). ابن ابی‌الحدید معتزلی در گزارشی می‌نویسد: «پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در کهنسالی به عهدی احساس تعهد و مباحثات می‌کرد که در جوانی برای کمک به مظلومان (حلف الفضول) بسته بود» (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۲، ۱۴: ۱۳۰ و ۱۵: ۲۰۳).

پیامبر امین صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام، نمادی از وفای به هر عهد و پیمانی هستند که در آن نقش داشته‌اند. روایات بسیاری گزارش شده است که امامان علیهم‌السلام در آنها به قاعده «المؤمنون عند شروطهم» اشاره کرده و اهمیت این مسئله را با تبیین مفهوم این قاعده مطرح ساخته‌اند. برای نمونه، امام صادق علیه‌السلام در گزارشی از امیر مؤمنان علیه‌السلام به مضمون قاعده شرط پرداخته، درباره وفای به آن می‌فرماید: «مَنْ شَرَطَ لِامْرَأَتِهِ شَرْطًا

فَلَيْفَ لَهَا بِهِ فَإِنَّ الْمُسْلِمِينَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ إِلَّا شَرْطًا حَرَّمَ حَلَالًا أَوْ أَحَلَّ حَرَامًا (طوسی، ۱۴۰۷، ۷: ۴۶۷؛ حر عاملی، بی تا، ۱۸: ۱۷).

سنت علوی نیز مملو از گزارش‌های پایبندی آن حضرت به عهد و پیمان‌های فردی و اجتماعی است؛ از این رو می‌توان امیرمؤمنان علیه السلام را از نموده‌ها و الگوهای عینی تعهدپذیری و اسوه حسنه معرفی کرد که هرگاه پیمانی بست و عهدهی سپرد، بر آن پایبند بود که پیمان حکمیت، نمونه‌ای از آنهاست که حتی پس از پذیرش اجباری پیمان حکمیت نیز هیچ‌گاه سخت‌گیری خوارج برای نقض عهد و خروج از این پیمان را نپذیرفت و بر عهد خود استوار ماند.

یادسپاری: سنت پرورشی انبیای الهی، به اندازه‌ای اهمیت دارد که خدای سبحان یادآوری سنت و شیوه هدایتی پیامبران پیشین را از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می‌خواهد؛ از جمله به صادق الوعد بودن حضرت اسماعیل علیه السلام اشاره می‌فرماید: ﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ (مریم، آیه ۵۴) و از صداقت حضرت ادریس علیه السلام سخن می‌گوید: ﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا﴾ (مریم، آیه ۵۶).

(ب) سبک تربیتی والدین

نقش والدین در آموزش مسئولیت‌پذیری و وفای به عهد به کودکان، از نموده‌های عینی آثار تربیتی قاعده «المؤمنون عند شروطهم» است. تبیین روشن تربیتی والدین به‌عنوان یکی از نموده‌های قاعده «المؤمنون عند شروطهم»، تأکیدی بر فراگیری این قاعده برای عموم جامعه دارد؛ زیرا ممکن است برخی، رهبران الهی را تافته‌ای جداافتاده بپندارند^۱ که سنت پرورشی ایشان به دلیل برخورداری از عصمت، الگویی

۱. هرچند این پندار بر پایه باور به همراهی دو عصمت اکتسابی و خدادادی برای پیامبران الهی و ائمه اطهار علیهم السلام باطل است.

سازنده برای جامعه است؛ اما این شبهه در سبک تربیتی والدین راه ندارد؛ زیرا آنان نمونه‌های افراد عادی جامعه هستند که می‌توانند عصمت اکتسابی داشته باشند؛ ولی از عصمت خدادادی بی‌بهره‌اند. از این رو، گفتار و کردارشان می‌تواند ابعاد مثبت و منفی فراوانی داشته باشد که بر پایه قاعده «المؤمنون عند شروطهم» می‌تواند بررسی و سنجیده شود.

بدیهی است که فراگیری آموزه مسئولیت‌پذیری و وفای به عهد، در بیشتر موارد، از رهگذر رفتار والدین به افراد خانواده صورت می‌پذیرد و سپس وارد جامعه می‌شود. اهمیت رابطه پدر و مادر با فرزندان، از مسائل مهمی است که همواره مورد توجه آموزه‌های اسلام از یک سو، و پژوهشگران امور اجتماعی و روان‌شناسی از سوی دیگر بوده است؛ زیرا نخستین پندارهای ذهنی کودک، در محیط خانواده و متأثر از شخصیت و عملکرد والدین شکل می‌گیرد.

وفای به عهد، از راه‌های شخصیت دادن به کودک است. وقتی اولیا و مربیان وعده تشویقی به کودکان می‌دهند، کودک انتظار دارد که آنان به وعده خود عمل کنند. اینجا نقش پدر و مادر، کاملاً مشهود است؛ زیرا کودک وفای به عهد را اولین بار از پدر و مادر خود مشاهده می‌کند. عمل کردن به وعده‌ها و قول‌هایی که پدر و مادر به فرزند خود می‌دهند، اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا فرزند آنان می‌آموزد که او نیز باید در زندگی آتی خود، به تعهداتی عمل کند که می‌پذیرد؛ زیرا پدر و مادر، پیوسته به وعده‌های خود عمل کرده‌اند. امام صادق علیه السلام به علت این حکم اشاره کرده، در حال رشد بودن دستگاه شناختی کودک را گوشزد می‌کند: «أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَ ارْمُوهُمْ، وَ إِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ، فَفُوا لَهُمْ؛ فَإِنَّهُمْ لَا يَرَوْنَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرْزُقُونَهُمْ» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۱۹؛ حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۱: ۴۸۳). از این روست که خدا از چیزی به اندازه رعایت نکردن حقوق زنان و کودکان خشمناک نمی‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۵۰). درحقیقت، اگر اولیا به وعده خود عمل

نکنند، شخصیت فرزندان را تحقیر کرده‌اند و اعتماد کودک نسبت به آنها سلب می‌گردد و دیگر توجهی به آنان نمی‌کند (فرهادیان، ۱۳۷۷: ۲۵۷).

قطعاً آگاهی و توان عملی پدر و مادر در دو جنبه انتقال اعتقادات درست و شکل دادن رفتار صحیح به فرزندان، بسیار مهم است؛ از این رو خدای سبحان در آیات بسیاری به این موضوع می‌پردازد و بر مسئولیت مؤمنان در برابر اعضای خانواده تأکید می‌فرماید تا اصول دینی و اخلاقی و رفتار شایسته را فراگیرند و به سوی خطا و انحراف کشیده نشوند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا». این آیه، درحقیقت بر الگو و هادی بودن والدین نسبت به اعضای خانواده تأکید دارد؛ زیرا آنان، به‌ویژه پدر، سرپرست فرزندان هستند و در مهم‌ترین مراحل زندگی فرزندان، یعنی دوران کودکی می‌باید شرایط مفید برای رشد و تکامل معنوی و انتقال آموزه‌های مذهبی به آنان را فراهم سازند (گلی، ۱۳۹۴: ۱۱۰). پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۸۱). امیر مؤمنان علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَادَّبُوهُمْ» (همان: ۳۸۰).

از دیگر پیش‌زمینه‌های تربیت کودک و پرورش حس مسئولیت‌پذیری در وی، وجود نظم و انضباط در خانواده است که از عوامل زیربنایی خوش‌قولی شمرده می‌شود. والدین اگر برای تربیت فرزندان خود از مسیر مشخصی پیروی کنند و نقش هر کسی در خانواده مشخص باشد، زمینه برای تربیت او فراهم است (فرهادیان، ۱۳۷۷: ۶۳-۷۳).

کودکانی که در محیط خانواده به اهمیت عهد و پیمان و سوگند آگاه باشند و آن را از عملکرد والدین خود بیاموزند، هرگز فراموشش نخواهند کرد و همواره آن را در مسیر زندگی انجام خواهند داد.

بر این، پدر و مادر باید در برابر کودکان، درباره هر تصمیم و وعده‌ای، به‌صورت

سنجیده عمل کنند و توانایی خود و سایر جوانب کار را در نظر بگیرند و آن گاه خود را در قبال فرزند، ملزم و متعهد سازند و در نهایت، همه تلاش خود را برای انجام شرط به کار گیرند.

گاهی دیده می شود والدین به انگیزه آرام کردن کودک، اقدام به قول و قرارهای صوری می کنند؛ درحالی که کودک برای دریافت آن نتیجه انتظار می کشد، اولین نتیجه بدقولی، کاسته شدن حس احترام به والدین است. او احساس تلخ بی اهمیتی برای والدین را تجربه خواهد کرد. این امر، ممکن است در طولانی مدت موجب کاهش عزت نفس در او شود؛ زیرا در ضمیر ناخودآگاه کودک باقی خواهد ماند. ازاین رو، کودک ممکن است با خود بیندیشد که پدر و مادر به او دروغ گفته اند. این برداشت، ضدیت کامل با تشویق کودک به راستگویی دارد. او به مرور زمان، یاد می گیرد که می تواند گاهی دروغ بگوید و از بار تعهداتی که پذیرفته است، شانه خالی کند و برایش عادی شود که قول بدهد و انجام ندهد؛ بنابراین اگر پدر و مادر مسلمان، قصد دارند فرزند را تربیت کنند که پایبند به اصول اخلاقی و معنوی باشد، خودشان باید در برابر قیودات دینی، با ریزینی و دقت فراوان عمل کنند.

رعایت این قاعده فقهی، علاوه بر رشد اخلاقی والدین، نتایج تربیتی بی شماری نصیب فرزندان خواهد کرد:

یکم - کودک، والدین خود را افرادی راست گو و درستکار خواهد شناخت و همواره صحبت ها و نصایح او را خواهد پذیرفت.

دوم - کودک، خود را ملزم به انجام تعهداتی می داند که می پذیرد. پدران و مادران در برابر فرزندان خود، مسئولیتی بس سنگین برعهده دارند و قطعاً در کنار آموزه های دیگر، مسیر طولانی و وعده های بی شماری باید طی شود تا کودک، اهمیت شرط و وفای به عهد را بیاموزد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قاعده شرط، برخاسته از حدیث نبوی «المؤمنون عند شروطهم» است که ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد. روایات فراوانی نیز مضامین و محتوای آن را تأکید کرده‌اند و انسان‌ها از ابتدای خلقت تا کنون، اعم از دین‌دار و بی‌دین، پایبندی به اصل وفای به عهد و تعهدپذیری را یک ضرورت دانسته و می‌دانند و عقل نیز در قالب مستقلات عقلیه بر آن حکم می‌کند. این قاعده، از قواعد فقهی - حقوقی است که رابطه میان علوم فقه و تربیت را برقرار می‌سازد و پیامدها و نمودهای اخلاقی - تربیتی بسیاری دارد. مسئولیت‌پذیری، عمل‌گرایی و وفاداری و صداقت، اعتمادسازی، و آرامش فردی و اجتماعی، از مهم‌ترین آثار و پیامدهای تربیتی این قاعده است. سنت پرورشی رهبران الهی و سبک تربیتی والدین را نیز می‌توان از مهم‌ترین الگوهای خارجی و نمودهای عینی قاعده «المؤمنون عند شروطهم» دانست که در تربیت اخلاقی و هدایت فردی و اجتماعی انسان‌ها نقش سازنده‌ای دارند؛ به‌ویژه هنگام کاربست این قاعده و بهره‌گیری از آموزه اصلی آن، یعنی مسئولیت‌پذیری و وفای به عهد که سبب می‌شود کودکان با الگوگیری از والدین، به‌عنوان نخستین مربیان خود، مسئولیت‌پذیری و وفاداری به عهد و شرط را بیاموزند و در زندگی اجتماعی خود نیز این آموزه‌ها را به کار گیرند و نسل مسئولی شده، در راستای اعتمادسازی و برقرار آرامش اجتماعی گام بردارند.

منابع

قرآن کریم

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، بعثت، سوم، ۱۳۸۸ ش.
۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایة الاصول، المحقق مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بی تا.
۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار الاحیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۲ م.
۴. اسلامی منش، نرگس، بررسی تحلیلی نسبت وجدان و مسئولیت و مدل‌های تربیتی آن از منظر قرآن کریم به منظور ارائه الگوی تربیت مناسب، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۹۵.
۵. اعرافی، علیرضا، موسوی، سیدنقی، «تأثیرات دانش فقه بر مسائل دانش تربیت»، فصلنامه تخصصی پژوهش نامه فقهی، سال دوم، شماره پنجم، ص ۳-۳۳، ۱۳۹۰.
۶. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۰ ق.
۷. بحرانی، میثم بن علی بن میثم، شرح نهج البلاغه، قم، انوار الهدی، ۱۴۲۷ ق.
۸. تهانوی، محمد علی، کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، ۲ جلدی، بیروت، زقاق البلاط، اول، ۱۹۹۶ م.
۹. جوادی آملی، عبد الله، درس خارج خیارات، ۹۱/۸/۸.
۱۰. _____، نسیم اندیشه، تحقیق و تدوین: محمد علی پرهیزکار، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۴ ش.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۲. خواجه نوری، بیژن، مساوات، سید ابراهیم، ریاحی، زهرا، «رابطه سبک زندگی و مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی (مطالعه موردی: نوجوانان دبیرستانی شیراز)»، مجله جامعه پژوهی فرهنگی (علوم اجتماعی)، ۵، ۱۹-۳۶، ۱۳۹۳.

۱۳. دیدگاه، زهرا، سید صدرالدین شریعتی، سعید بهشتی، محسن ایمانی نائینی، «تبیین مسئولیت پذیری در تربیت اجتماعی نوجوانان بر اساس تفسیر المیزان»، **فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی**، ش ۳۴، ص ۲۷-۵۶، ۱۳۹۷ ش.
۱۴. رفعتیان، عبدالحسین، **مسئولیت پذیری**، تهران، قطره، ششم، ۱۳۹۴.
۱۵. زحیلی، وهبه، **الفقه الاسلامی وادلته**، ۹ جلدی، دمشق، دارالفکر، اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، **منیة المريد**، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. صفی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم، **منتهی الارب فی لغه العرب**، ۱ جلدی، کتابخانه سنایی، بی تا.
۱۸. طباطبائی، سید محمد حسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۹. طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الأخلاق**، قم، چهارم، ۱۴۱۲ ق/ ۱۳۷۰ ش.
۲۰. طبرسی، حسن بن فضل، **مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار**، نجف، المکتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ ق / ۱۳۴۴ ش.
۲۱. طوسی، محمد بن الحسن، **تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)**، ۱۰ جلدی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. فاضل هرنودی، محی الدین، **ترجمه و شرح المکاسب**، قم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، اول، ۱۳۸۲ ش.
۲۳. فرهادیان، رضا، **والدین و مربیان مسئول**، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۷ ش.
۲۴. فلسفی، محمد تقی، **الحديث - روایات تربیتی**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، محقق سید طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتب، ۱۴۰۴ ق.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، اسلامی، دوم، ۱۳۶۲ ق.

۲۷. گلی، مهرانز، «نقش والدین در پرورش عزت نفس فرزندان و سلامت معنوی آنان از دیدگاه اسلام»، *فصلنامه تاریخ پزشکی*، سال هفتم، شماره ۲۵، ص ۱۰۱-۱۲۸، ۱۳۹۴ ش.
۲۸. محقق داماد یزدی، سید مصطفی، *قواعد فقه*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۲۹. مظاهری، حسین، *درس قاعده «المؤمنون عند شروطهم» و معنی آن*، پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مظاهری، درس شماره ۱۵۵، ۱۳۸۶.
۳۰. موسوی بجنوردی، محمد حسن، *القواعد الفقهیه*، نجف، مطبعه الآداب، ۱۳۸۹ ق.
۳۱. نبوی، سید صادق، «شیوه های آموزش مسئولیت پذیری به نوجوانان»، *ماهنامه آموزشی - تربیتی پیوند*، ش ۴۰۲ - ۴۰۳، ص ۸۴ - ۸۵، ۱۳۹۲.